

نقش و تأثیر تحولات جنگ پس از فتح خرمشهر بر بلوغ و تکامل نیروی دفاعی ایران

نویسنده: سردار محمد درودیان*

چکیده

با انهدام توان نظامی عراق برای دستیابی به پیروزی قطعی، قوای نظامی ایران فرصت یافتند تسهیلاتی را برای آزادسازی مناطق اشغالی پیش‌بینی کنند. لذا در تفکر نظامی، استراتژی و تاکتیکها تغییراتی به وجود آمد که این روند در تعامل کامل با قابلیت‌های فکری و عملیاتی نیروهای دفاعی ایران قرار داشت نگارنده در این مقابله بدنبال پاسخ به این پرسش است که روند تحولات جنگ پس از فتح خرمشهر چه تأثیر و تعاملی بر شکل‌گیری بلوغ و تکامل نیروی دفاعی ایران داشته‌است؟

تحلیل اراده و خواسته‌های ایران بر عراق و رسیدن به صلح شرافتمندانه، بلوغ دفاعی ایران در طراحی و اجرای عملیات‌هایی همچون خیر، افزایش توانایی ایران برای مهار تهاجمات عراق و نیز افزایش قدرت تهاجمی در مناطق و شرایط متفاوت و تدافعی در وضعیت‌های مختلف و به دست آوردن تجربیات طی ۸ سال جنگ از جمله مواردی است که در این مقاله به آن پرداخته شده‌است.

مقدمه

در مقاله قبلی^(۱) این موضوع مورد توجه و تأکید قرار گرفت که پس از پیروزی انقلاب

* سردار محمد درودیان محقق و نویسنده تاریخ جنگ می‌باشند. وی همچنین مؤلف کتب متعددی در باره جنگ تحمیلی است که کتابهای نبرد در شرق بصره، از خونین شهر تا خرمشهر و فاو تا شلمچه ایشان به عنوان کتاب سال در موضوع دفاع مقدس برگزیده شده‌اند.

۱. محمد درودیان، بررسی نقش جنگ در ظهور و شکل‌گیری نیروی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست دفاعی - شماره ۲۸ سال هفتم - شماره ۴ پاییز ۱۳۷۸، صص ۳۱-۵.

اسلامی و پیدایش بحرانهای امنیتی در داخل کشور همراه با تهدیدات خارجی در محیط امنیتی ایران، شرایط ذهنی و عینی برای سامان‌دهی نیروی دفاعی ایران فراهم شد. گرچه فقدان تجربه همراه با تمرکز بر مناقشات سیاسی در داخل کشور و حجم و به هم پیوستگی بحرانها و تهدیدات داخلی و خارجی فرصت لازم را برای دستیابی به قدرت دفاعی و در نتیجه بازدارندگی عراق از تهاجم به ایران، فراهم نکرد لکن "مقاومت در برابر تجاوز عراق" به "ظهور" قدرت دفاعی ایران و در نتیجه به ناکامی ارتش عراق منجر شد.

انهدام بخشی از توان نظامی عراق همراه با ناتوانی این کشور برای دستیابی به پیروزی قطعی برای تحمیل خواسته‌های خود بر ایران سبب گردید قوای نظامی ایران در فرصت حاصله از زمین‌گیر شدن دشمن در مناطق اشغالی، تمهیداتی را برای آزادسازی این مناطق پیش‌بینی کنند. تغییر در تفکر نظامی با شکل‌گیری دکترین، استراتژی و تاکتیکهای جدید نظامی، ایجاد ساختار و سازمان مناسب نظامی با سازماندهی نیروهای بسیج مردم و داوطلب در سازمان سپاه، ایجاد هماهنگی در سطح نظامیان میان ارتش و سپاه و برطرف شدن شکاف سیاسی در ساختار قدرت و در نتیجه شکل‌گیری استراتژی بزرگ برای آزادسازی مناطق اشغالی و همچنین افزایش پشتیبانی و حمایت مردم در مجموع روند آزادسازی مناطق اشغالی را شکل داد و با تحت تأثیر قرار دادن ناکامیهای دوران بنی‌صدر به تدریج مناطق اشغالی آزاد شد و این تحولات حاصل "شکل‌گیری" نیروی دفاعی ایران بود.

فتح خرمشهر در عملیات بیت‌المقدس در عین حالی که در تداوم سلسله عملیاتهای پیشین صورت گرفت، اما از نظر نتایج و پیامدها به منزله نقطه آغاز جدیدی در روند جنگ بود. صرف‌نظر از عواملی که به ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر منجر شد و طبعاً از منظر سیاسی - نظامی - اجتماعی خاصی پیروی می‌کرد، به نظر می‌رسد اساساً ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر به مدت ۶ سال با توجه به "تلاشهای امریکا" که از حمایت بین‌المللی برخوردار بود برای مقابله با برتری ایران و پیامدهای حاصل از آن در برابر عراق و در سطح منطقه در چارچوب "جنگ بدون برنده" و متقابلاً "تلاشهای عراق" برای بهره‌برداری از حمایت‌های بین‌المللی به منظور "حفظ موجودیت عراق" در برابر تهاجمات پی‌درپی ایران و سیاستها و "اقدامات ایران" برای فائق آمدن بر موانع و تأمین

خواسته‌های برحق خود "ماهیت جنگ ایران و عراق" را در عرصه مفاهیم، دکترین، استراتژی، تاکتیکها، ابزارهای نظامی و بسیاری از موارد دیگر دچار تحول و دگرگونی کرد. بدیهی است این روند در تعامل کامل با قابلیت‌های فکری و عملیاتی نیروهای دفاعی ایران قرار داشت. برپایه این ملاحظات، پرسش اساسی این مقاله این است که: «روند تحولات جنگ پس از فتح خرمشهر چه تأثیر و تعاملی بر شکل‌گیری بلوغ و تکامل نیروی دفاعی ایران داشته است؟»

جنگ پس از فتح خرمشهر به مدت ۶ سال در مقایسه با دوسال قبل با توجه به زمان طولانی‌تر و وقوع رخداد‌های بیشتر و پیچیده‌تر نظامی و سیاسی، شرایط دشوارتری را فراروی نیروهای دفاعی ایران قرار داد و همین امر در واقع بستر اصلی آشکارسازی قابلیت‌های فکری و عملیاتی نیروهای دفاعی ایران را فراهم ساخت. به همین دلیل شاید بتوان تأکید کرد که زیرساخت‌های اصلی قدرت دفاعی ایران در فاصله ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر در برابر دشواری‌های جنگ بنیان نهاده شد.

در این بررسی با توجه به ضرورت شناخت ابعاد و عوامل مؤثر بر "بلوغ و تکامل قدرت دفاعی ایران" ضمن توجه به محیط استراتژیک جنگ به عنوان عامل تأثیرگذار و در عین حال تأثیرپذیر از روند رخداد‌های نظامی، اساساً تحولات نظامی جنگ و تعامل آن با نیروی دفاعی ایران مورد تأکید قرار خواهد گرفت. بدین منظور از چهار مفهوم "بلوغ"، "تکامل"، "آسیب‌پذیری"، "ترمیم" برای توضیح تأثیرپذیری نیروهای دفاعی در برابر تحولات و رخداد‌های استراتژیک و نظامی جنگ استفاده خواهد شد.

ملاحظات حاکم بر تصمیم‌گیری ایوان برای ادامه جنگ

فتح خرمشهر محیط استراتژیک منطقه خاورمیانه و خلیج فارس را در آستانه تشدید مجدد مناقشات اعراب و اسرائیل و ایجاد فضای نظامی که سرانجام به تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان منجر شد، تحت تأثیر قرار داد. برتری نظامی ایران بر عراق در واقع هرگونه تردید و ابهام نسبت به توانمندی و قابلیت‌های جدید نظامی ایران را برطرف و ضعف و ناتوانی عراق را آشکار ساخت. زیرا پیروزی در خرمشهر ماحصل فرآیند تحولات جدید نظامی در صحنه جنگ بود که پس از حذف بنی‌صدر و در پاسخ به رفع بن‌بست نظامی و با اتخاذ دکترین جدید دفاعی به دست آمد. در این مرحله که در مجموع ۱۰ ماه به طول انجامید (مهر ۶۰ تا خرداد ۶۱) بیش از ۴۰ هزار نفر از نیروهای دشمن اسیر و بیش از

دوبرابر همین مقدار کشته و زخمی شدند. انهدام و به غنیمت گرفتن تجهیزات دشمن نیز قابل ملاحظه بود و مجموع این حوادث بیانگر درهم شکستن سازمان رزمی ارتش عراق و ظهور ایران به عنوان قدرت جدید منطقه‌ای ارزیابی شد.^(۱)

پیدایش چنین وضعیتی، نظر به انهدام بخش عمده‌ای از قدرت دفاعی عراق و احتمال دستیابی ایران به یک پیروزی نظامی قاطع بر عراق، به نگرانی زیادی برای امریکا و کشورهای منطقه منجر شد. امریکاییها به دلیل ارزیابی جدید از قدرت نظامی ایران و از هم‌پاشیدگی نیروهای عراق در مرز ایران، ضمن ابراز نگرانی از تهدید منافع امریکا^(۲) در منطقه از ضرورت اتخاذ استراتژی جدید برای کنترل اوضاع در منطقه و حمایت از عراق^(۳) سخن گفتند؛ پیش از این امریکاییها با امید به ماهیت فرسایشی جنگ نسبت به ادامه جنگ نگرانی نداشتند ولی با پیدایش وضعیت جدید بر اتمام سریع جنگ، بدون برنده، تأکید داشتند. این مهم با اجتناب از امتیاز دادن به ایران و دفاع از عراق، و در عین حال فشار به ایران برای اتمام جنگ دنبال می‌شد.

تحولات صحنه نظامی جنگ به شکل‌گیری و چالش دو اراده و خواسته متفاوت منجر شد که ادامه جنگ در واقع ریشه در همین رویارویی داشت. ایران بر پایه توانمندی و قدرت نظامی خود به شرایط خود برای اتمام جنگ همانند گذشته مبنی بر "عقب‌نشینی بدون قید و شرط عراق از همه مناطق اشغالی، تعیین و تنبیه متجاوز و پرداخت خسارت به ایران" تأکید کرد.^(۴) در برابر، حامیان جهانی و منطقه‌ای عراق در چنین وضعیتی ارائه هرگونه امتیاز به ایران را به منزله به رسمیت شناختن برتری این کشور به عنوان یک قدرت تأثیرگذار بر روند تحولات منطقه و فروپاشی دروازه شرقی جهان عرب^(۵) ارزیابی می‌کردند و نسبت به آن نگرانی و وحشت‌زده بودند و همین مسئله به برداشت جدید از ماهیت جنگ و پیامدهای احتمالی ناشی از پیروزی ایران منجر شد و در عمل، منطق ادامه جنگ را شکل داد.

بر اساس این ملاحظات، ایران برای تصمیم‌گیری در وضعیت دشواری قرار گرفته بود. در نخستین جلسه‌ای که پس از فتح خرمشهر، اعضای شورای عالی دفاع در حضور

۱. محمد درودیان، جنگ بازیابی ثبات، (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸)، ص ۲۱۳.

۲. وزیر وقت دفاع امریکا، واینبرگر، خ. ج. ا. ۶۱/۳/۱ - به نقل از خ. رویتر.

۳. درودیان، پیشین، ص ۲۱۳.

۴. امام خمینی، ۶۱/۳/۲۳ - صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۹۱.

۵. درودیان، پیشین، ص ۲۳۶.

فرماندهی کل قوا، امام خمینی، برگزار کردند برخی از اعضا براساس ملاحظات سیاسی و احتمال نادیده گرفتن خواسته‌های ایران و مشکلات استقرار نیروها در مرز برای دفاع از شهرهای اهواز، خرمشهر و آبادان، بر تصرف منطقه شرق بصره با اهداف سیاسی - نظامی تأکید داشتند. امام در برداشت اولیه ضمن نگرانی نسبت به واکنشها و اقدامات احتمالی امریکا در برابر پیروزیهای ایران^(۱)، بر اتمام جنگ نظر داشتند. چنانکه آقای هاشمی رفسنجانی بیان می‌کند: «امام با ورود به داخل خاک عراق موافق نبود زیرا از لحاظ بین‌المللی اوضاع به زیان ایران می‌شد و عربها که پراکنده بودند، به صورت متحد از عراق حمایت خواهند کرد و مردم عراق به ایران به عنوان متجاوز نگاه خواهند کرد».^(۲) جلسه اول با همین بحثها به اتمام رسید و تصمیم‌گیری به جلسه بعد موکول شد. در جلسه دوم و با فروکش کردن التهابات اولیه ناشی از فتح خرمشهر و بررسیهایی که صورت گرفت و استدلال نظامی برای دفاع از شهرهای مرزی و استدلال سیاسی مبنی بر اینکه اگر حاکمان بغداد مطلع شوند که ما وارد خاک این کشور نمی‌شویم، با خیال آسوده علیه ما شرارت خواهند کرد^(۳) «سرانجام پس از یک جلسه طولانی نتیجه‌اش این شد که امام اجازه دادند به صورت محدود در مناطقی که مردم عراق نیستند ما وارد خاک عراق شویم».^(۴)

در عین حال ایران پس از فتح خرمشهر به دلیل فضای سیال و در حال تغییر در منطقه نه تنها برای ادامه جنگ اقدامی نکرد بلکه با تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان در تاریخ ۱۴ خرداد سال ۶۱ و تنها ۱۱ روز پس از فتح خرمشهر تحت تأثیر این رویدادهای مهم سیاسی - نظامی قرار گرفت. اعزام یک هیأت عالی‌رتبه سیاسی - نظامی در تاریخ ۱۷ خرداد همان سال، سپس کسب موافقت سوریه‌ها برای اعزام نیرو که به تدریج انجام گرفت، بیانگر این موضوع بود که جمهوری اسلامی ایران در فضای مبهم و پیچیده سیاسی منطقه و بین‌المللی همچنان فاقد اراده لازم برای ادامه جنگ در خاک عراق است. اگرچنین بود مسلماً بلافاصله در تداوم عملیات فتح خرمشهر پیشروی در منطقه شرق بصره صورت می‌گرفت و از اعزام نیرو به جنوب لبنان اجتناب می‌شد. حال آنکه نه

۱. امام خمینی، ۶۱/۱/۱۴ - صحیفه نور، ج ۱۶، صص ۱۰۸-۱۰۹.

۲. علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، حقیقت‌ها و مصلحت‌ها، مسعود سفیری، نشر نی، چاپ اول ۱۳۷۸.

۳. همان، صص ۹۱-۹۲.

صص ۹۱-۹۰.

۴. علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، حقیقت‌ها و مصلحت‌ها، همان.

تنها چنین نشد بلکه امام نیز به مدت ۲۷ روز پس از فتح خرمشهر هیچ‌گاه در سخنرانیهای عمومی در مورد ادامه جنگ سخنی بیان نکردند.^(۱)

نقطه تحول در تصمیم‌گیری ایران و اجرای آن در واقع سخنان صدام در تاریخ ۳۰ خرداد و سپس اعلام عقب‌نشینی از خاک ایران بود.^(۲) ماهیت سیاسی - نظامی اقدام عراق با توجه به ملاحظات منطقه‌ای و بین‌المللی بیش از آنکه بیانگر صلح‌طلبی صدام باشد، نشان‌دهنده مخالفت و مقابله با خواسته‌های ایران با هدف در بن بست قراردادن این کشور و در واقع آمادگی برای ادامه جنگ بود. سخنان صدام برای اعلام آمادگی عراق جهت عقب‌نشینی از خاک ایران کاملاً خصمانه و با تأکید بر پیروزی ایران و وارد ساختن خسارات بی‌شمار بر ایران بود! ضمن اینکه صدام در سخنان خود تنها با تأکید بر آتش‌بس هیچ‌گونه طرح صلح مشخصی را با نیت پایان دادن به جنگ ارائه نکرد. مسلماً اگر عراق اراده صلح داشت، محتوا و لحن سخنان صدام به گونه‌ای دیگر تنظیم می‌شد. علاوه بر این اگر عراق به دنبال صلح بود به چه دلیل به سهولت حاضر به عقب‌نشینی از مناطق اشغالی شد؟ حال آنکه در اختیار داشتن این مناطق می‌توانست در صورت تمایل عراق به صلح به هنگام مذاکرات همانند برگ برنده در اختیار این کشور باشد. بنابراین اقدام عراق در اولویت نخست بیشتر از ماهیت سیاسی برخوردار بود و سپس ماهیت نظامی داشت. عراق در نظر داشت با این اقدام، مشروعیت ادامه جنگ علیه نیروهای ارتش عراق را از ایران سلب کند و از این طریق از هیبت اشغالگر خارج شود تا امکان حمایت بین‌المللی از عراق علیه ایران فراهم شود. ضمن اینکه عراق در این عقب‌نشینی در مجموع از پنج کیلومتر مناطق اشغالی ۲۵۰۰ کیلومتر را که شمال مناطق هموار و دشت بود تخلیه کرد و بقیه مناطق شامل ارتفاعات و معابر وصولی و برخی مناطق مهم مانند نفت شهر را همچنان در اشغال خود حفظ کرد.

تصمیم ایران برای ادامه جنگ در خاک عراق دقیقاً پس از صدور بیانیه عراق برای عقب‌نشینی از خاک ایران از سوی امام اتخاذ و اجرا شد. امام مجموعه تحولات منطقه از جمله تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان و عقب‌نشینی عراق از خاک ایران را در چارچوب یک سناریوی امریکایی و برای فریب و غفلت ایران از مسئله اصلی یعنی جنگ

۱. نگاه کنید به: صحیفه نور، ج ۱۶.

۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران - بولتن ویژه ۶۱/۳/۳۱ - سخنان صدام در تاریخ ۶۱/۳/۳۰.

برشمردند و بر بازگشت نیروها از لبنان و ادامه جنگ تأکید کردند.^(۱)

ارزیابی روند تحولات منطقه و درک جدید از ماهیت مقابله با ایران به شکل‌گیری مفهوم استراتژیک از اوضاع و منشأ اقدام ایران برای ادامه جنگ در خاک عراق منجر شد. در واقع، دوران یک ماهه انتظار به سر آمد و با آشکار شدن لایه‌های پنهان بخشی از حوادث و رویدادها، ایران تنها گزینه‌ای را که فراروی خود داشت، انتخاب و بر اجرای آن تعجیل کرد. در این مرحله نگرانی ایران نسبت به بهره‌برداری عراق از فرصت حاصله برای تقویت قدرت دفاعی و همچنین احتمال صدور قطعنامه از سوی سازمان ملل برای جلوگیری از اقدامات نظامی ایران نقش مهمی در شتابزدگی ایران برای انجام عملیات داشت. در عین حال تصور اولیه ایران بر این پایه قرار داشت که عراق در امتداد ضربات پیشین در حالت ضعف و ناتوانی به‌سرمی‌برد و ایران با انجام یک عملیات پیروز، توانایی تحمیل اراده و تأمین خواسته‌های برحق خود را خواهد داشت.

ملاحظات یاد شده سبب گردید بدون توجه به تغییرات محیطی و ماهیت جنگ و در امتداد تجربیات و استراتژی پیشین، زمین منطقه شرق بصره برای انجام عملیات انتخاب شود. این منطقه علاوه بر اینکه برای تأمین اهداف سیاسی ایران و دستیابی به پیروزی نهایی مناسب بود^(۲)، در عین حال عدم نیاز به جابه‌جایی و انتقال نیروها به سرعت عمل در کسب آمادگی و انجام عملیات منجر می‌شد. مجموع این عوامل بر اهمیت عملیات رمضان به عنوان یک عملیات سرنوشت‌ساز و استراتژیک افزود.^(۳) این عملیات به یک معنا همانند نقش عملیات تأمین‌الائمه در مرحله آزادسازی مناطق اشغالی بود. مسلماً پیروزی یا شکست در عملیات تأمین‌الائمه می‌توانست بر روند تحولات جنگ سایه افکند. عملیات رمضان نیز به عنوان سرآغاز مرحله جدید جنگ به نوعی موقعیت آینده ایران را در صحنه جنگ در کمند نتایج خود گرفتار کرده بود.

نتایج و پیامدهای عملیات رمضان

توقف^(۴) قوای نظامی ایران در پشت دیواره‌های دفاعی در منطقه شرق بصره در

۱. امام خمینی، ۶۱/۳/۳۰ - صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۱۲.
۲. سیهب شهید علی صیاد شیرازی، ناگفته‌های جنگ، دفتر ادبیات و هنر مقاومت، احمد دهقان، چاپ اول ۱۳۷۸، ص ۳۲۵.
۳. همان، ص ۳۲۸.
۴. علی اکبر هاشمی رفسنجانی، حقیقت‌ها و مصلحت‌ها، همان، ص ۹۲.

عملیات رمضان، مهمترین دستاورد فتح خرمشهر، از جمله برتری ایران و ضعف عراق را تحت تأثیر قرار داد و موقعیت برتر ایران تضعیف شد و همین امر به "اعتمادسازی" مجدد نسبت به قدرت دفاعی عراق در برابر تهاجمات ایران منجر شد. به عبارت دیگر عملیات رمضان به عنوان اولین تلاش نظامی ایران برای ادامه جنگ در خاک عراق، به منزله آزمایش و ارزیابی استراتژی جدید ایران و توان نظامی این کشور برای تبدیل پیروزی در خرمشهر به یک پیروزی استراتژیک بود. براساس این ملاحظات بررسی علل ناکامی در عملیات رمضان بسیار مهم و یک ضرورت استراتژیک است.

در یک بررسی اجمالی می‌توان گفت با آزادسازی مناطق اشغالی در واقع ماهیت جنگ تغییر کرد و با تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان، محیط استراتژیک منطقه تحت تأثیر این تحولات قرار گرفت. در چنین وضعیتی انجام هرگونه اقدام نظامی باید متناسب با تغییر و دگرگونیهای جدید در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس و صحنه سیاسی - نظامی جنگ ایران طراحی و اجرا می‌شد. به نظر می‌رسد عملیات رمضان بدون در نظر گرفتن این ملاحظات استراتژیک انجام شد: به عبارت دیگر به همان میزان که تصمیم برای ادامه جنگ به عنوان تنها گزینه‌ای که برابر ایران قرار داشت اجتناب‌ناپذیر و صحیح بود ولی نحوه اجرای این تصمیم با انجام عملیات رمضان در منطقه شرق بصره تناسبی با تحولات و ضرورتهای مرحله جدید جنگ نداشت. عدم توجه به این ملاحظات استراتژیک تا اندازه‌ای به دلیل یکسان پنداشتن شرایط جدید با شرایط گذشته و ضعف ارزیابی کردن توان دفاعی عراق بود. حال آنکه ادامه جنگ در خاک عراق مستلزم تدوین دکترین دفاعی جدید ایران بود و این مهم با تأخیر صورت گرفت.^(۱) چنانکه پیش از این با اتخاذ دکترین دفاعی، بن‌بست نظامی جنگ شکسته شد، در مرحله جدید اتخاذ دکترین دفاعی مناسب می‌توانست سطح پیروزی سیاسی - نظامی ایران را به سطح استراتژیک ارتقا و جنگ را با دستیابی به یک پیروزی قاطع به سود ایران خاتمه دهد.

در هر صورت ناکامی در عملیات رمضان، عدم تناسب دکترین و توان نظامی ایران با اهداف و شرایط مرحله جدید جنگ را آشکار ساخت و عراق در مرحله جدید با تکمیل دکترین دفاعی خود که پس از ناکامی از دستیابی به پیروزی سریع در جنگ ۷ روزه اتخاذ کرده و کاستیهای آن را در مرحله آزادسازی مناطق اشغالی برطرف ساخته بود،

۱. احمد الزبیدی سرهنگ سابق ستاد ارتش عراق، جنگ خلیج فارس در ابعاد نظامی، روزنامه السفير ۸/۲۹ - ۱۹۸۹/۱۱/۲۰، سفارت ایران در بیروت ۱۱/۱۰/۱۳۶۸، ص ۱۱ ترجمه.

استراتژی دفاع مطلق را برگزید و در پشت مواضع دفاعی مستحکم مستقر شد. بازتاب پیدایش وضعیت جدید به عنوان نخستین تجربه نظامی ناموفق در اجرای عملیات در خاک عراق برای نیروهای نظامی بسیار حائز اهمیت بود. طی بررسیهایی که در سپاه انجام شد - در یک تفسیر اعتقادی - اخلاقی - غرور ناشی از پیروزیها به عنوان منشأ درونی این ناکامی، و نادیده گرفتن توانمندی دفاعی دشمن، مورد تأکید قرار گرفت. علاوه بر این مشکلات برآمده از فقدان مهندسی رزمی در ایجاد خاکریز و مواضع دفاعی و فراتر از آن ضرورت گسترش سازمان سپاه مورد اشاره قرار گرفت. در میان نیروهای ارتش نیز مشکلات برآمده از کاستیها در تجهیزات نظامی و تاکتیکی مورد تأکید واقع شد.^(۱)

تجزیه و تحلیل عملیات رمضان بیانگر این معنا بود که آی ن عملیات آخرین تجربه اجرای چنین تاکتیکی خواهد بود. به همین دلیل با تأکید به ضرورت اجتناب از عملیات گسترده، عملیات محدود توصیه و به عنوان یک راهبرد جدید برگزیده شد و در همین چارچوب عملیات مسلم بن عقیل و محرم انجام شد.

با تغییر ماهیت جنگ^(۲) رژیم عراق استراتژی خود را از "توسعه طلبی" به "حفظ موجودیت رژیم بعثی" تغییر داد و در نتیجه دفاع در خاک عراق برای این کشور از اهمیت فوق العاده ای برخوردار شد. با آشکار شدن نتیجه عملیات رمضان عراقیها صحت استراتژی دفاعی خود را مورد تأکید قرار دادند و این امر سبب گردید که بر اجرای دقیق آن پافشاری کنند. علاوه بر این، عراق برای مقابله با پیامدهای پیروزی احتمالی ایران و همچنین تشدید فشار به ایران با هدف پایان بخشیدن به جنگ، سیاستهای جدیدی شامل تهاجم به مناطق غیرنظامی از جمله تأسیسات اقتصادی و نفتی، مورد توجه قرار داد. عراق براساس این استراتژی در نظر داشت روحیه تهاجمی نیروهای ایران و برتری حاصل از پیروزی احتمالی را با فشار، موازنه و در عمل خنثی کند. این روند به نسبت افزایش حملات ایران رو به افزایش نهاد.

در عین حال تصور عراقیها پس از مشاهده عملیات رمضان چنین بود که تجربه

۱. نگاه کنید به: محمد درودیان، *از خونین شهر تا خرمشهر*، (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سال ۱۳۷۳).

۲. سبهد شهید علی صیاد شیرازی، *ناگفته های جنگ*، (تهران: دفتر ادبیات هر مقاومت، چاپ اول ۱۳۷۸)، ص ۳۲۸.

عملیات رمضان به اجتناب ایران از انجام چنین عملیاتی منجر خواهد شد. صدام بعدها طی سخنانی به این موضوع اشاره کرد.

امریکاییها که در برابر وضعیت دشوار و پیچیده‌ای قرار گرفته بودند پس از اطمینان نسبت به توانایی دفاعی ارتش عراق در برابر ایران، که تحت پوشش کمک اطلاعاتی و مستشاری این کشور انجام شد، با برگزیدن راهبرد ادامه جنگ با مشخصه و ماهیت فرسایشی، با هدف خنثی‌سازی و یا انهدام توان دفاعی ایران و یا ایران و عراق، فرصت جدیدی را برای حل و فصل معضل بر آمده از تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان به دست آوردند.

ضرورت به دست‌گیری ابتکار عمل در صحنه نظامی

ایران با پیدایش وضعیت جدید در برابر شرایط بسیار دشواری قرار گرفت؛ زیرا در صحنه عمل برتری استراتژیک بر عراق را به علت نحوه اجرای عملیات رمضان از دست داد.^(۱) ضمن اینکه تحولات نظامی در حد فاصل فتح خرمشهر تا عملیات رمضان بیانگر این معنا بود که ایران در برابر یک تفکر برتر نظامی قرار گرفته است که حاصل کمک مستشاری و اطلاعاتی و تسلیحاتی امریکا، شوروی و فرانسه بود.^(۲) حال براساس این ملاحظات چه راه‌حلهایی فراروی ایران قرار داشت و بر اساس چه رویکردی جنگ ادامه یافت؟

در یک ارزیابی اجمالی برپایه بررسی عوامل مؤثر بر طولانی شدن جنگ و نحوه اتمام آن به نظر می‌رسد استراتژی ایران پس از فتح خرمشهر اساساً بر پایه دستیابی به صلح با اجرای یک عملیات پیروز قرار گرفت^(۳) و همین امر منطبق تحولات جنگ را در سالهای بعد شکل داد. فرض اصلی در اتخاذ این استراتژی بر این پایه قرار داشت که امکان دستیابی به پیروزی در یک عملیات نسبتاً مهم وجود دارد و اینکه این پیروزی می‌تواند حامیان جهانی و منطقه‌ای عراق را برای ارائه امتیاز به ایران و پایان بخشیدن به جنگ متقاعد سازد. این استراتژی با مفهوم "جنگ، جنگ با یک پیروزی" در برابر

۱. وفیق سامرایی سرلشگر عراقی، *ویرانی دروازه‌های شرقی*، ترجمه عدنان قارونی، (تهران: معاونت

انتشارات مرکز فرهنگی سپاه، ۱۳۷۸)، ص ۱۴۰-۱۳۸.

۲. نگاه کنید به: محمد درودیان، *از آغاز تا پایان*، (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سال ۱۳۷۶)

ص ۷۳-۷۱. ۳. از آغاز تا پایان، پیشین، ص ۷۳.

استراتژی امام مبنی بر "جنگ، جنگ، جنگ تا پیروزی" شناخته می‌شد. فرمانده سابق سپاه بر این نظر است که استراتژی رسمی کشور بر پایه جنگ برای "تحمیل صلح" قرار داشت ولی استراتژی امام "سقوط صدام و حزب بعث" بود؛ و اگر ما براساس استراتژی امام حرکت می‌کردیم جنگ به جای ۸ سال کمتر از ۵ سال و با یک فتح بزرگتر و با سقوط صدام تمام می‌شد ولی انتخاب استراتژی محافظه‌کارانه "ادامه نبرد برای تحمیل صلح" به نتیجه نرسید.^(۱) ایشان در نقد این استراتژی با بررسی میزان اختصاص امکانات برای جنگ می‌گوید: «ما در تمام طول جنگ بیست میلیارد دلار هزینه جنگ کرده‌ایم، چه ارتش و چه سپاه، بیست میلیارد دلار هزینه به نسبت ۱۸۰ میلیارد درآمد نفت چقدر هزینه جنگ را شامل می‌شود؟»^(۲)

شکل‌گیری رویکرد جدید سبب گردید همچنان میان شرایط و ضرورت‌های مورد نیاز برای پایان دادن به جنگ با نحوه درک و سیاست‌هایی که اتخاذ می‌شد و میزان تخصیص منابع شکاف به وجود آید. حاصل پیدایش این وضعیت در مقایسه با سیاست و اقدامات عراق آن بود که بتدریج آثار و پیامدهای برتری ایران کم‌رنگ و دربرابر موازنه نظامی به سود عراق رو به تغییر نهاد و فرآیند چنین تحولی از میان بردن امکان تحمیل برتری ایران بر عراق و نمایان شدن افق‌های طولانی شدن جنگ با ماهیت فرسایشی بود که نتیجه‌ای جز انهدام توان نظامی ایران نداشت. امام راحل هفت ماه پس از عملیات رمضان در یک سخنرانی عمومی به این معنا به عنوان سیاست امریکا در جنگ اشاره فرمودند: «منطق امریکا شکست عراق و ایران و از پا درآوردن هر دو یا ایران، در هر صورت به نفع اوست.»^(۳)

عملیات والفجر مقدماتی در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۱۸ و در تداوم استراتژی تحمیل صلح با دستیابی به یک پیروزی در ایام دهه فجر انجام گرفت. این باور وجود داشت با این عملیات سرنوشت جنگ تعیین خواهد شد. ناکامی^(۴) در عملیات والفجر به تغییر نام آن به والفجر مقدماتی و سپس انجام عملیات والفجر یک در تاریخ ۱۳۶۲/۱/۲۱ منجر شد. توقف و زمین‌گیر شدن نیروها در پشت دیواره‌های دفاعی ارتش عراق بیانگر این معنا

۱. دکتر محسن رضایی، سخنرانی در دانشکده دالموس سپاه، خرداد ۱۳۷۹.

۲. همان.

۳. امام خمینی، ۶۱/۱۱/۲۲ - صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۰۴.

۴. علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، حقیقت‌ها و مصلحت‌ها، همان، ص ۹۲.

بود که بدون "خلاقیت و ابتکار عمل"، "برخورداری از سازمان نظامی مناسب" و "پشتیبانی کامل" امکان دستیابی به پیروزی وجود ندارد. ضمن اینکه ناکامی در هر عملیات به منزله تقویت روحیه نیروهای دشمن بود و متقابلاً عدم دستیابی به پیروزی، شور و نشاط در جبهه و پشت جبهه نیروهای خودی را از میان می‌برد و پیامد آن علاوه بر کاهش پشتیبانی از جنگ و بسیج نیرو به جبهه‌ها، تشدید اختلاف نظر در مورد نحوه ادامه جنگ و اجرای عملیاتهای نظامی بود که پس از عملیات والفجر مقدماتی تشدید شد و سرانجام به حضور آقای هاشمی به عنوان "فرمانده عالی" در صحنه نظامی جنگ منتهی شد.^(۱)

ظهور پدیده قابل توجه در مرحله جدید در مقایسه با مرحله قبل، افزایش زمانی اجرای عملیاتهای ایران بود. فرضاً فاصله زمانی اجرای عملیاتهای ثامن‌الائمه، طریق القدس، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، به ترتیب دو ماه، سه ماه و ۴۳ روز بود. حال آنکه عملیات والفجر مقدماتی ۷ ماه پس از عملیات رمضان انجام شد و بعدها زمان اجرای عملیاتهای بزرگ ایران به صورت سالانه درآمد. ظهور این پدیده آشکارترین نماد و پیامد استراتژی جدید ایران و نحوه تخصیص منابع بود. با این استراتژی در واقع عراق از این امتیاز برخوردار می‌شد که علاوه بر ترمیم خسارات و تلفات^(۲) وارده در هر عملیات، توان نظامی و تسلیحاتی ارتش خود را بتدریج افزایش دهد و استراتژیهای جدیدی را برای مقابله و خنثی‌سازی پیروزیهای نسبی و احتمالی ایران اتخاذ کند. چنانکه استراتژی به کارگیری سلاح شیمیایی، حمله به تأسیسات نفتی و نفتکشها، حمله به شهرها بتدریج از سوی عراق طراحی و در سالهای بعد اجرا شد.

بن‌بست نظامی در صحنه نبرد و ماهیت فرسایشی جنگ امکان تأثیرگذاری ایران بر روند تحولات جنگ را کم‌رنگ می‌کرد و بتدریج از میان می‌برد؛ به همین دلیل درک شرایط جدید سیاسی - نظامی و ضرورت برخورداری از ابتکار عمل و عدم تکرار عملیاتها با روشهای گذشته با هدف دستیابی به پیروزی به انتخاب منطقه هور و اجرای عملیات خیبر در اسفند سال ۱۳۶۲ منجر شد. از این منظر عملیات خیبر به عنوان ابتکار نظامی سپاه^(۳)، از این منظر پیروزی می‌گردد که «مان نباید در یک جنگ سانانی» در رو با

۱. همان، صص ۹۵-۹۴.

۲. احمد الزبیدی، سرهنگ سابق ستاد در ارتش عراق، ص ۱۴.

۳. علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، حقیقت‌ها و مصلحت‌ها - همان.

عراق مواجه شویم چون او (دشمن) به نیروهای زرهی و هواپیما متکی است و امکانات فراوانی را به کار می‌گیرد که ما توان مقابله نداریم. سپاه عملیات غافلگیرانه و غیرمتعارف را بهتر می‌دانست». (۱) عملیات خیبر با وجود ویژگی و ابتکار عمل، به دلیل کاستیهای موجود در تأمین پشتیبانی لجستیکی و هوایی برای کمک به تثبیت منطقه تصرف شده به موفقیت کامل نرسید. در عین حال انتخاب منطقه هور و اجرای این عملیات بر اساس ضرورتهایی که مورد اشاره قرار گرفت بیانگر بلوغ نیروهای دفاعی برای گشایش بن‌بست سیاسی - نظامی جنگ بود. با عملیات خیبر سازمان رزم سپاه از آمادگی و قابلیت لازم برای اجرای عملیات آبی - خاکی برخوردار شد و این امر علاوه بر ورود تجهیزات جدید و مناسب برای عملیات آبی - خاکی مانند انواع مختلف قایق، صنعت دفاعی سپاه را با ساخت انواع پل و سایر نیازمندیها تحت تأثیر قرار داد. عراقیها که آمادگی لازم برای مقابله با عملیات در هور را نداشتند پس از عملیات خیبر علاوه بر تقویت سازمان رزم ارتش عراق و تشکیل سپاه ششم در منطقه هور، تغییراتی را در سازمان رزم ارتش عراق برای مقابله با ابتکار نظامی جدید ایران به وجود آورد. در عین حال تأخیر در درک ضرورت ابتکار عمل و تلاش برای تحقق آن که باید بلافاصله پس از فتح خرمشهر انجام می‌گرفت، به نوعی عقب‌ماندگی در برابر دشمن منجر شد و همزمان آثار برآمده از این عملیات دامنه فشار به ایران را گسترده و تشدید کرد؛ چنانکه از سوی امریکا عملیات استانچ به منظور ایجاد محدودیت در خرید سلاح توسط ایران آغاز شد و عراقیها جنگ نفتکشها را با هدف تضعیف بنیه اقتصادی ایران شدت بخشیدند.

تأثیر تکامل نیروی دفاعی ایران بر روند تحولات نظامی جنگ

یکسال پس از عملیات خیبر، عملیات بدر در تاریخ اسفند ۱۳۶۳ در منطقه هور انجام شد. زمان یادشده به عراق فرصت داد تا به مدت یکسال منطقه هور را با ایجاد استحکامات دفاعی و احداث جاده‌های مواصلاتی از موقعیت ممتاز دفاعی برخوردار کند. در برابر، قوای نظامی ایران در فاصله عملیات خیبر تا عملیات بدر با وجود اجرای سلسله عملیتهای محدود هیچ‌گونه اقدام اساسی برای فائق آمدن بر شکست بن‌بست نظامی حاکم بر جنگ انجام نداد. اجرای عملیات مشترک از سوی ارتش و سپاه با وجود تمامی امتیازات آن در مرحله آزادسازی مناطق اشغالی در مرحله جدید فاقد کارآیی

مورد نیاز بود. تفکر نظامی حاکم بر نیروهای ارتش و نحوه نگرش^(۱) به ابزار و نیازمندیها و تاکتیک لازم برای اجرای عملیات با تفکر خلاق در سپاه تفاوت ماهوی داشت. در عین حال نقش نیروهای ارتش در زمینه پشتیبانی آتش توپخانه و هوایی، در مرحله تثبیت منطقه به گونه‌ای بود که سپاه به تنهایی قادر به انجام عملیات مستقل نبود. چنانکه ارتش نیز از آمادگی لازم برای انجام عملیات مستقل و پیروز بدون حضور نیروهای سپاه و بسیج برخوردار نبود. با وجود تمامی این ملاحظات و در تداوم سیاستهای گذشته، عملیات بدر نیز انجام شد و پس از گذشت یک هفته از زمان استقرار نیروها در منطقه، سرانجام عقب‌نشینی از منطقه تصرف شده بر اثر فشار عراق آغاز گردید. نحوه پایان عملیات بدر که در تداوم ابتکار عملیات خیر انجام می‌شد و مشکلات پشتیبانی همچنان حل نشده بود، نوعی بازنگری و تجدیدنظر اساسی را به دنبال داشت. در واقع حاکم شدن نوعی روزمرگی در امر جنگ و طولانی شدن آن از یک سو و ناتوانی در دستیابی به پیروزی نظامی برای پایان دادن به جنگ از سوی دیگر، وضعیت سیاسی - نظامی ایران را در زیر چتر فشارهای همه جانبه عراق بسیار نامطلوب کرده بود. بویژه اینکه همزمان با عملیات بدر عراق جنگ شهرها را با حمله هوایی به تهران گسترش داد و این امر پدیده‌های جدیدی بود که طبیعتاً آثار و نتایج آن بتدریج آشکار می‌شد.

سپاه در نیمه اول سال ۶۴ استراتژی جنگ را مورد بازنگری قرار داد^(۲) و به این نتیجه رسید که باید:

- ۱- سپاه مستقل از ارتش به طرح‌ریزی و اجرای عملیات اقدام کند؛^(۳)
 - ۲- برای اجرای عملیات بزرگ به صورت همزمان به منظور تجزیه قوای دشمن ۱۵۰۰ گردان نیرو در اختیار سپاه قرار گیرد؛
 - ۳- توپخانه سپاه و نیازمندیهای آتش، تأمین و در اختیار باشد؛
 - ۴- پشتیبانی هوایی و پدافند هوایی تحت امر سپاه باشد.
- اعلام نیازمندیهای سپاه و انجام عملیات مشروط به تأمین آن برآمده از این تحلیل بود که اندیشه و خلاقیت موجود در سپاه از پشتیبانی لازم برای تحقق آن در صحنه نبرد

۱. دکتر حسن روحانی دبیر شورای امنیت - ضبط برنامه تلویزیونی سجاده آتش - پاییز ۱۳۷۸.

۲. نگاه کنید به: از آغاز تا پایان، همان، ص ۱۵۴-۱۳۲.

۳. دکتر محسن رضایی فرمانده اسبق سپاه، برنامه تلویزیونی سجاده آتش، شبکه اول زمستان ۱۳۷۷.

برخوردار نیست، در نتیجه انجام عملیات ناکام، مواضع جمهوری اسلامی را تضعیف و موقعیت عراق را تحکیم می‌کند. لازمه تغییر توازن در جنگ، دستیابی به پیروزی بر پایه اندیشه خلاق و ابتکار عمل با تأمین پشتیبانیهای لازم بود.

آنچه در میان فرماندهان و طراحان سپاه مورد توجه قرار گرفت با اقدام امام در شهریور سال ۱۹۶۴ مبنی بر ابلاغ حکم تشکیل سه نیرو از سوی سپاه کامل شد. با وجود موانع و مشکلات موجود، تشخیص چنین ضرورتی از سوی امام و اقدام برای انجام آن به منزله یک تحول ساختاری در سطح نیروهای دفاعی و به رسمیت شناختن توانمندیهای نظامی سپاه و نهادینه کردن آن در کشور بود.

برآیند این تحولات فکری و عملی، طرح ریزی عملیات خاکی - آبی فاو به منظور عبور از رودخانه فاو بود.

اجرای این عملیات در بهمن سال ۶۴ و تصرف و تثبیت منطقه فاو پس از یک جنگ ۷۵ روزه موازنه سیاسی - نظامی جنگ را به سود جمهوری اسلامی تغییر داد.^(۱) پس از فتح خرمشهر، فتح فاو نخستین عملیاتی بود که قوای نظامی ایران پس از درهم شکستن خطوط دفاعی دشمن و پیشروی در عمق توانستند منطقه تصرف شده را تأمین کنند. بنابراین صرف نظر از اهمیت منطقه فاو در شمال خلیج فارس و در جنوب شرقی بصره، توانایی ایران برای تثبیت منطقه در برابر فشارهای فزاینده هوایی و زمینی عراق به منزله آسیب‌پذیری قدرت دفاعی عراق و متقابلاً قابلیت و قدرت نظامی ایران برای انجام عملیات عبور از رودخانه و پشتیبانی نیروها در یک عملیات مهم آبی - خاکی بود. این پیروزی حاوی مفاهیم مهم سیاسی - نظامی بود؛ به همین دلیل دوباره نوعی تردید نسبت به توانمندی دفاعی عراق برای حفظ مواضع دواعی در میان ناظران و تحلیلگران و حامیان جهانی و منطقه‌ای این کشور به وجود آمد.

پیروزی در فاو و پیامدهای آن حاصل تکامل قدرت نیروی دفاعی ایران بود. عراق برای تحت تأثیر قرار دادن این برتری در مرحله نخست برای بازپس‌گیری فاو تلاش کرد که به علت انهدام نیروهای ارتش عراق، سرانجام از پافشاری برای بازپس‌گیری کناره گرفت. استراتژی دفاع متحرک در واقع به منظور نمایش قدرت نظامی عراق و درگیر و منهدم کردن قوای نظامی ایران و از بین بردن تمرکز آنها در منطقه فاو بود تا بدین وسیله

۱. نگاه کنید به کتاب محمد درودبان، از خرمشهر تا فاو، (تهران: مرکز مطالعات تحقیقات جنگ ساه،

در اولین فرصت برای بازپس‌گیری فاو اقدام شود. اگرچه در این مرحله عراقیها دوباره شهر مهران را اشغال کردند ولی در مجموع، استراتژی دفاع متحرک به علت آمادگی و قدرت جابه‌جایی و مقابله قوای نظامی ایران، با شکست همراه شد.^(۱) البته ارتش عراق به دلیل اینکه نخستین عملیات آفندی پس از مرحله تهاجم به ایران در سال ۱۳۵۹ را تجربه می‌کرد به نظر می‌رسید فاقد روحیه و طرح مناسب بود به همین دلیل عراقیها مجدداً در لاک خود فرو رفتند.

فتح فاو و بازتاب آن و میزان آمادگی برای توجه و تأمین خواسته‌های ایران بیانگر ارزیابی میزان صحت استراتژی ایران پس از فتح خرمشهر بود. چنانکه در صفحات قبل اشاره شد، ادامه جنگ بر پایه این فرض انجام گرفت که با کسب یک پیروزی حامیان عراق برای تأمین خواسته‌های ایران متقاعد خواهند شد. واکنش عراق و حامیان عراق پس از فتح فاو بیانگر این معنا بود که این استراتژی فاقد کارآمدی است. در واقع برتری ایران دوباره نوعی هراس در سطح منطقه و بین‌المللی به وجود آورد و بر میزان حمایت از عراق و فشار بر ایران افزود، به همین علت مجدداً این تصور به وجود آمد که فتح فاو به تنهایی کافی نیست و بر همین اساس تلاش برای تعیین سرنوشت جنگ با یک پیروزی دیگر مبنای تلاشهای تبلیغاتی - سیاسی و نظامی ایران قرار گرفت.

بسیج نیرو و امکانات در سال ۶۵ و اجرای عملیات کربلای ۴ در پنجم دی ماه همین سال در چارچوب همین سیاست انجام گرفت. ناکامی در عملیات کربلای ۴ دستاوردهای سیاسی - نظامی فتح فاو را تحت تأثیر قرار داد و عراق دوباره برای بازپس‌گیری فاو آماده شد. در چنین وضعیت سیاسی - نظامی دشوار، عملیات کربلای ۵ بر پایه تجربه عملیات کربلای ۴ و در پاسخ به ضرورت‌های استراتژیک در مرحله جدید در منطقه شلمچه انجام و با درهم شکستن استحکامات بسیار پیچیده و قوی دشمن و پیشروی در منطقه شرق بصره در واقع برتری سیاسی - نظامی ایران در مرحله جدید تثبیت شد.^(۲)

تحولات سیاسی - نظامی جنگ در حد فاصل فتح فاو تا عملیات کربلای ۵ به منزله آزمایش استراتژی ایران پس از فتح خرمشهر و برآیند تکامل قدرت نیروی دفاعی ایران بود. با وجود تأثیرات بسیار برجسته، پیروزیهای ایران در سطح سیاسی و نظامی کارکرد

۱. نگاه کنید به: محمد درودیان، *از فاو تا شلمچه*، (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۴).

۲. پیشین.

لازم برای پایان بخشیدن به جنگ را نداشت. شاید مهمترین علت آن این بود که این تحول به صورت تدریجی و با تأخیر صورت گرفت. به طور مسلم اگر آنچه در عملیات کربلای ۵ روی داد در عملیات رمضان واقع می شد، روند تحولات جنگ پس از فتح خرمشهر و موقعیت ایران با آنچه بعدها صورت گرفت، چهره‌ای کاملاً متفاوت به خود می گرفت. البته پیروزی در عملیات کربلای ۵ در مقایسه با عملیات رمضان با این تفاوت که مواضع و استحکامات دفاعی عراق بسیار پیچیده تر شده بود، حاوی این معنا بود که قدرت طرح ریزی و تهاجمی ایران افزایش و تکامل یافته بود لیکن دستاوردهای این عملیات تناسبی با سطح پیروزی مورد نیاز ایران به عنوان یک برتری قاطع نظامی بر عراق نداشت.

عملیات کربلای ۵^(۱) و ابتکار نظامی آن آخرین عملیات بزرگ ایران در منطقه جنوب بود زیرا نوعی بن بست نظامی در جنوب حاصل شده بود. در مجموع در منطقه جنوب از حدفاصل عین خوش تا جزیره آبادان با توجه به نوع زمین و تاکتیکهایی که از سوی نیروی نظامی ایران اتخاذ و تجربه شده بود، امکان انجام عملیات با شرط ابتکار عمل و دستیابی به پیروزی وجود نداشت. پیش از این عملیاتهای والفجر مقدماتی و یک در منطقه زمینی صورت گرفت. عملیات خیبر و بدر در منطقه هور انجام گرفت. عملیات رمضان و کربلای ۵ در منطقه شرق بصره اجرا شد و عملیات والفجر ۸ و کربلای ۴ با عبور از رودخانه اروند صورت گرفت. در واقع در هر کدام از مناطق جنوب با ویژگیهای خاص آنها دوبار عملیات گسترده انجام شد و از این پس امکان تکرار عملیات با شرط دستیابی به پیروزی بر پایه امکاناتی که در اختیار نیروهای نظامی ایران قرار داشت امکان پذیر نبود.

انتقال جنگ از جنوب به شمالغرب به منزله اتخاذ استراتژی جدید و تجربه نوین بود. البته از ابتدای جنگ اجرای عملیات در مناطق کوهستانی درجهه شمالی انجام می گرفت ولی تلاش جدید با توجه به گستردگی عملیات و انجام آن در فصل زمستان آزمون جدیدی برای نیروهای دفاعی ایران بود.

به موازات تغییر استراتژی عملیاتی ایران با تغییر زمین منطقه، گسترش جنگ در خلیج فارس پس از عملیات کربلای ۵ و حضور نیروهای آمریکا برای مقابله با پیروزی

۱. نگاه کنید به: محمد درودیان، نبرد در شرق بصره، (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه)

احتمالی ایران^(۱) سبب گردید نیروهای سپاه براساس تجربه عملیات در هور و در جنگ دریا با سازماندهی جدید، بخشی از نیروهای خود را برای جنگ در دریا سازماندهی کردند و اتکا بر قایقهای تندرو^(۲) و استفاده از سلاحهای مناسب در جنگ دریا در این مرحله مورد توجه قرار گرفت.

تجزیه توان دفاعی ایران در مناطق مختلف از دریا تا خشکی و در مناطق هور و کوهستان و عدم انجام عملیات زمینی همانند سالهای قبل برای انهدام قوای نظامی عراق و سایر ملاحظات سبب گردید عراقیها با اتخاذ استراتژی جدید مبنی بر "تعیین سرنوشت جنگ بر روی زمین" از موضع پدافندی، خارج و با اتخاذ سیاست تهاجمی و تقویت و گسترش سازمان ارتش عراق برای بازپس‌گیری مناطق تصرف شده، اقدام کنند.^(۳) "ظهور پدیده قدرت تهاجمی ارتش عراق" و دستیابی به پیروزی روند تکاملی و امکان تأثیرگذاری پیروزیهای ایران برای تحمیل اراده سیاسی ایران بر عراق را مخدوش کرد و روند جنگ رو به تغییر نهاد. تحول جدید به منزله "آسیب‌پذیری" نیروی دفاعی ایران و عدم تناسب توانمندی آن با مرحله جدید جنگ بود. قرارگرفتن نیروهای دفاعی ایران در برابر آزمون جدید نظامی، تجربه‌ای جدید محسوب می‌شد. نیروهای ایران از سال ۱۳۶۰ بجز یک مقطع زمانی بسیار کوتاه در نیمه اول سال ۱۳۶۵ همواره در موضع تهاجمی قرار داشتند و متقابلاً عراقیها در موضع پدافندی استقرار یافته بودند. خروج عراق از لاک دفاعی و قرارگرفتن ایران در موضع دفاعی آزمون جدیدی برای ارزیابی میزان توانمندی نیروهای نظامی ایران برای فائق آمدن بر مرحله جدید جنگ بود.

ضربات پی‌درپی ارتش عراق بر نیروهای نظامی ایران تصور فروپاشی قدرت دفاعی ایران را برای عراق و منافقین به وجود آورد. برپایه همین توهم، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، مورد توجه عراق قرار نگرفت و ارتش عراق برای اشغال مناطق ایران همانند روزهای آغازین جنگ اقدام کرد و منافقین با نیرویی کمتر از پنج هزار نفر برای فتح تهران حرکت خود را با پشتیبانی ارتش عراق شروع کردند. تحقق اهداف عراق و منافقین می‌توانست موجودیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی

۱. علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، حقیقت‌ها و مصلحت‌ها، همان، صص ۹۷-۹۶.

۲. محسن رضایی، برنامه سجاد آتش، زمستان ۱۳۷۷.

۳. نگاه کنید به: محمد درودیان، پایان جنگ، (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸)،

را متزلزل کند، در چنین شرایطی تجارب حاصله از سالهای قبل و احساس نگرانی نسبت به فرآیند تحولات جدید نظامی همانند روزهای آغازین جنگ به فراخوانی نیروهای مردمی منجر شد و سپاه با سازماندهی نیروهای مردمی علاوه بر دفع تهاجم ارتش عراق در جنوب، نیروهای منافقین را قبل از رسیدن به شهر کرمانشاه منهدم کرد، و تلفاتی بالغ بر ۲۰۰ نفر بر آنها تحمیل کرد.^(۱) نتیجه حاصله از این مرحله به معنای "ترمیم" آسیب‌پذیری قدرت دفاعی ایران بود و آثار و نتایج آن به تمکین ارتش عراق برای برقراری آتش بس منجر شد و سرانجام جنگ در تاریخ ۲۹ مرداد سال ۱۳۶۷ به پایان رسید.

نتیجه

- ۱- ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر به عنوان تنها گزینه مطلوب ایران بر پایه توانمندی نظامی در مرحله آزادسازی مناطق اشغالی و با هدف دستیابی به صلح شرافتمندانه با یک پیروزی و تحمیل اراده و خواسته‌های ایران بر عراق و حامیانش انجام گرفت.
- ۲- عدم تناسب لازم میان توانمندی نظامی ایران به موازات تغییر ماهیت جنگ پس از فتح خرمشهر، مانع از ارتقای پیروزی در خرمشهر به یک پیروزی استراتژیک و در نتیجه طولانی شدن جنگ شد.
- ۳- درک تدریجی شرایط جدید پس از رویارویی با واقعیات جنگ و ضرورت برخورداری از خلاقیت و ابتکار عمل برای کسب پیروزی مورد نیاز به طراحی و اجرای عملیات خیبر منجر شد و این تحول به منزله بلوغ قدرت دفاعی ایران محسوب می‌شود.
- ۴- سلسله تلاشها و اقداماتی که به مدت دو سال و در حد فاصل عملیات خیبر در سال ۱۳۶۲ تا عملیات فاو در سال ۶۴ و به منظور "تکمیل قدرت دفاعی ایران" انجام گرفت به فتح فاو و تحولات سیاسی - نظامی در حد فاصل عملیات فاو تا عملیات کربلای ۵ در دی ماه سال ۱۳۶۵ منجر شد. با وجود اهمیت و نتایج برجسته آن، به دلیل تأخیر در دستیابی به قدرت دفاعی مناسب امکان تحقق پیروزی نظامی قاطع بر عراق فراهم نشد.

۵- توانایی ایران برای مهار تهاجمات عراق در ماههای پایانی جنگ و فائق آمدن بر این مرحله و پایداری در برابر فشارهای عراق در حدفاصل سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹ که سرانجام با پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر از سوی عراق گردید، حاصل تکامل قدرت دفاعی ایران در حدفاصل ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر تا سال ۱۳۶۷ به مدت ۶ سال بود.

۶- تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر به مدت ۶ سال به میزانی که به دلیل گسترش صحنه جنگ، نوعی فرسایش برای قدرت دفاعی ایران به وجود آورد ولی از نظر تجربیات نظامی برای طراحی و اجرای عملیاتهای تهاجمی در مناطق و شرایط متفاوت و تدافعی در وضعیتهای مختلف، قابلیت و قدرت دفاعی ممتازی را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم کرد؛ به گونه‌ای که نیروهای نظامی ایران در همه مناطق مرزهای غربی و در خلیج فارس از قابلیت و قدرت طرح‌ریزی و اجرای عملیات برخوردار شده و آن را تجربه کرده‌اند و برای طرح‌ریزی استراتژیک در محیط امنیتی ایران از آمادگی لازم برخوردار هستند.

۷- تجربیات نظامی ایران در جنگ ۸ ساله نظر به پیچیدگی و ابعاد آن جمهوری اسلامی ایران را از ویژگی ممتازی برای سامان‌دهی قدرت دفاعی دست‌کم برای چند دهه آینده برخوردار کرده‌است، مشروط بر آنکه در فرصت حاصله پس از اتمام جنگ و در شرایط صلح از سوی فرماندهان و مسئولان دوران جنگ اهتمام لازم برای بهره‌برداری از تجارب حاصله صورت گیرد، در غیراین صورت با جابه‌جایی نسل جنگ در نیروهای مسلح امکان نهادینه کردن تجربیات جنگ و در نتیجه دستاوردهای دوران دفاع مقدس از میان خواهد رفت.